

## جوانی جمعیت در ایران

دکتر ایرج ساعی ارسی<sup>۱</sup>

### چکیده:

یکی از مشخصات بارز جوامع جهان سوم، جوانی جمعیت آن‌ها می‌باشد، یعنی جمعیتی که در گروه‌های سنی کمتر از ۱۵ ساله قرار دارد. جوانی جمعیت خود به عنوان یک پرسمان پیچیده‌ی اجتماعی در برابر جوامع جهان سوم قرار دارد. این پیچیدگی هم به طور عینی در حال حاضر در ابعاد مختلف نمود پیدا می‌کند و هم در دراز مدت و آینده بسیاری از برنامه‌ها را با ضعف‌یا شکست مواجه می‌نماید.

ترکیب سنی جمعیت کشورها با درجه‌ی توسعه‌یافتگی آن‌ها در ارتباط است به این معنا که هر چه یک کشور توسعه‌یافته تر باشد از درصد جمعیت زیر ۱۵ سال آن کاسته می‌شود و به جمعیت دو گروه دیگر افزوده می‌شود. پایه گذار این‌اندیشه ورتهایم جمعیت شناس و جامعه شناس هلندی است. به نظر وی حداقل ۴۰ درصد جمعیت کشورهای توسعه نیافته در سنین کمتر از ۱۵ سال قرار دارند و بدین سان آزمون ۴۰ درصدی آزمون ورتهایم به وجود آمد. برای تشخیص جوانی جمعیت ایران از دو شاخص ورتهایم و ورنه استفاده شده است. محاسبات براساس سرشماری‌های ۸۵-۱۳۳۵ و آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰ بوده است.

جمعیت ایران در دوره‌ی ۴۵-۱۳۳۵ به طرف جوان شدن حرکت کرده است. شدت جوانی جمعیت در دوره‌ی ۶۵-۱۳۵۰ بیشتر شده است. و در دوره‌ی ۵۵-۱۳۴۵ ساخت جوان معقولی به خود گرفته بود. سرانجام در دوره‌ی ۷۵-۱۳۶۵ به تدریج از شدت جوانی جمعیت کاسته شده است و در دوره ۸۵-۱۳۷۵ کاهش شدت جوانی جمعیت بیشتر شده است. اصولاً جوانی یا سالخوردگی جمعیت پرسمان‌ها و مشکلات مختلفی را از نقطه نظر برنامه ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی و بویژه سرمایه گذاری‌های مملکتی به وجود می‌آورد. حدود ۵۰ درصد جمعیت جوان در یک کشور جهان سومی در تولید و افزایش آن نقشی ندارند و صرفاً مصرف کننده هستند. در جمعیت‌های جوان مرگ و میر کودکان بسیار بالا و امید زندگی به شدت پایین است. ساخت سنی جوان سرمایه گذاری‌های عظیمی در جهت ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی، رفاهی و مسکن برای جمعیت (۱۴-۰) ساله‌ها نیاز دارد.

### واژه‌های کلیدی:

جوانی جمعیت، پرسمان اقتصادی- اجتماعی، ترکیب سنی، آزمون ورتهایم، آزمون ورنه، سالخوردگی جمعیت.

<sup>۱</sup> استادیار جامعه شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

E- mail: saearasi@gmail.com/saearasi@iau-abhar.ac.ir

**مقدمه:**

یکی از مشخصات بارز جوامع جهان سوم، جوانی جمعیت آن‌ها می‌باشد، یعنی جمعیتی که در گروه‌های سنی کمتر از ۱۵ ساله قرار دارد. در این قبیل جوامع، این نسبت در مواردی حتی به ۵۰ درصد از کل جمعیت بالغ می‌گردد، و نیمی از جمعیت ۱۴-۰ ساله است. در مقابل چنین پدیده‌ای، جوامع صنعتی وجود دارند که در آن‌ها این شاخص حدود ۲۰ درصد اعلام شده است، یعنی چیزی نزدیک به یک پنجم از جمعیت در گروه‌های سنی کمتر از ۱۵ ساله قرار دارد. جوانی جمعیت خود به عنوان یک پرسمان پیچیده اجتماعی در برابر جوامع جهان سوم قرار دارد. این پیچیدگی هم به طور عینی در حال حاضر در ابعاد مختلف نمود پیدا می‌کند و هم در دراز مدت و آینده بسیاری از برنامه‌ها را با ضعف یا شکست مواجه می‌نماید.

براساس توصیه‌های سازمان ملل متحد و به دنبال تجارب به دست آمده در کشورهای که تحول جمعیتی را پشت سر گذاشته‌اند، و همچنین به بسیاری از اهداف توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی خود نائل آمده‌اند، کشورهای جهان سوم نیز می‌بایست آن چنان سیاست‌های عملی را پیش گیرند تا بتوانند درصد جوانی جمعیت خود را پایین آورند. این جوامع جهان باید سیاست‌های جمعیتی خاصی را اتخاذ نمایند تا بتوانند نسبت جمعیت سالمند خود را افزایش دهند. قابل ذکر است که نسبت جمعیت سالمندی یعنی ۶۵ ساله و بالاتر در جوامع جهان سوم بین ۳ الی ۴ درصد برآورد شده است، در حالی که این نسبت در جوامع صنعتی بین ۱۳ تا ۱۷ درصد می‌باشد. (شیخی، ۱۳۷۵: ۱۴۷)

برای سالمند کردن جمعیت، نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال باید کمتر شود. به عبارت دیگر، پایین آوردن نسبت جمعیت جوان در نهایت به افزایش نسبت سالمندی جمعیت منجر می‌گردد. علاوه بر این، دستیابی به تأمین اجتماعی و عدالت اجتماعی تا حد زیادی در گرو بهبود موقعیت جمعیتی و متناسب در گروه‌های مختلف سنی جمعیت می‌باشد. بسیاری از سیاست‌های بهداشتی، تبلیغی، مشاوره‌ای و نظایر آن می‌تواند در مقوله‌ی جمعیت تعیین کننده باشد.

رابطه‌ی مستقیمی بین شاخص میانه‌ی سنی و نسبت جمعیت سالمند وجود دارد، یعنی هر چه شاخص میانه‌ی سنی، تحت تأثیر شرایط مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی و... بالاتر باشد، به همان نسبت تعداد سالمندان نیز در جامعه افزایش می‌یابد. سایر عوامل نظیر مرگ و میر و مهاجرت نیز بر سالمند شدن جمعیت تأثیر دارند.

در این مقاله هدف بررسی و شناخت پرسمان جوانی جمعیت ایران و محاسبه‌ی شاخص‌های آن و تحلیل پیامدهای آن در جمعیت ایران بوده است. پس از طرح پرسمان و طراحی اهداف ابتدا به ترکیب سنی جمعیت اشاره کرده ایم. سپس شاخص‌های جوانی جمعیت را مطرح و آن گاه این شاخص‌ها را در سرشماری‌های مختلف ایران محاسبه و تحلیل کرده ایم. سرانجام پیامدهای جوانی جمعیت را بحث نموده ایم. در خاتمه جمع بندی و نتیجه گیری و منابع آمده است.

## طرح پرسمان

۱. آیا جمعیت ایران ساخت سنی جوانی دارد؟
۲. روند تغییرات جوانی جمعیت ایران چگونه است؟
۳. چگونه می‌توان جوانی جمعیت ایران را تشخیص داد؟
۴. شاخص‌های تشخیص جوانی جمعیت کدام است؟
۵. جوانی جمعیت به مثابه‌ی یک پرسمان جمعیتی چه پیامدهای اقتصادی-اجتماعی دارد؟
۶. آینده‌ی جوانی جمعیت ایران چگونه خواهد بود؟

## اهداف

۱. بررسی و شناخت ترکیب سنی جمعیت ایران.
۲. شناخت شاخص‌های جوانی جمعیت.
۳. محاسبه‌ی شاخص‌های جوانی جمعیت ایران در سرشماری‌های مختلف.
۴. تحلیل شاخص‌های جوانی جمعیت ایران در سرشماری‌های مختلف.
۵. تحلیل پیامدهای جوانی جمعیت ایران.

## ترکیب سنی جمعیت

منظور از ترکیب سنی (Age structure) جمعیت، نحوه‌ی پراکندگی جمعیت بر حسب سن است. ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که ترکیب یا ساخت سنی جمعیت‌های مختلف نباید تفاوت چندانی با هم داشته باشند. بر همین مبنا قضاوت می‌شود که جوامع با تعداد جمعیت مساوی حتماً دارای ساخت سنی یکسانی نیز هستند، اما بررسی توزیع جمعیت آن‌ها براساس گروه‌های سنی بزرگ خلاف این نکته را نشان می‌دهد. ترکیب سنی جمعیت کشورها با درجه‌ی توسعه‌یافتگی آن‌ها در ارتباط است، به این معنا که هر چه یک کشور

توسعه یافته تر باشد از درصد جمعیت زیر ۱۵ سال آن کاسته می شود و به جمعیت دو گروه دیگر افزوده می شود. (تمنا، ۱۳۷۵: ۱۰۹ و ۱۱۰)

پایه گذار این اندیشه «ورتهایم» (Wertheim) جامعه شناس و جمعیت شناس هلندی بود که با مطالعات خود دراندونزی و مقایسه آن با سایر کشورها به این نتیجه رسید که حداقل ۴۰٪ جمعیت کشورهای توسعه نیافته در سنین کمتر از ۱۵ سال قرار دارند و بدینسان آزمون ۴۰٪ (تست ورتهایم) به وجود آمد. نماد ریاضی این آزمون به صورت زیر نشان داده می شود:

$$\sum_0^{14} P \geq \%40 \sum_0^w P$$

براساس این آزمون می توان گفت اولاً هر کشوری که دارای چنین ترکیب سنی باشد جزو کشورهای توسعه نیافته محسوب می شود و ثانیاً میان میزان مولید و درصد رشد طبیعی جمعیت و مرگ و میر نوزادان و افراد گروه سنی کمتر از ۱۵ سال رابطه ای وجود دارد. (بهنام، ۱۳۵۵: ۵۳ و ۵۵)

انواع ساخت سنی جمعیت ها به شرح زیر تقسیم بندی می شود:

۱. ساخت سنی جوان: کشورهایی دارای این نوع ساخت سنی هستند که براساس آزمون ورتهایم حداقل ۴۰٪ از کل جمعیت آن ها کمتر از ۱۵ سال باشند. ویژگی اصلی جمعیت های جوان را می توان داشتن میزان های باروری بالا و پایین بودن عمر متوسط (امید به زندگی) دانست به گونه ای که تنها حدود ۵٪ از جمعیت به سنین بالای ۶۵ سال می رسند.
  ۲. ساخت سنی رو به سالخوردگی: کشورهایی که سیاست های معینی مبنی بر کاهش باروری اتخاذ کرده اند و گام های اساسی در راه توسعه برداشته اند دارای چنین ساخت سنی هستند. در این جا از درصد گروه سنی کمتر از ۱۵ ساله کاسته شده (به دلیل کاهش باروری) آن هنوز درصد گروه سنی بالای ۶۵ ساله به حد جمعیت های سالخورده نرسیده است.
  ۳. ساخت سنی سالخورده: کشورهای توسعه یافته و صنعتی که از دیرباز میزان باروری آن ها کاسته شده و درصد افراد کمتر از ۱۵ ساله بین ۱۵ تا ۲۵ و درصد افراد ۶۵ ساله به بالای آن ها معمولاً بالای ۱۲ است دارای جمعیت سالخورده هستند. (تمنا: ۱۳۷۵: ۱۱۰)
- برحسب سه نوع ساخت سنی جمعیت، هرم های سنی متفاوتی نیز بدست می آید:

۱. هرم سنی جمعیت‌های جوان: چنین هرم‌هایی دارای پایه‌ی پهن تر و ارتفاع کمتر هستند، چرا که موالید آن‌ها سال به سال بیشتر می‌شود و عمر متوسط نیز در این نوع جمعیت‌ها پایین تر است، به این هرم‌ها، هرم جمعیت‌های رو به توسعه نیز گفته می‌شود.
۲. هرم سنی جمعیت‌های رو به سالخوردگی: در چنین هرم‌هایی قاعده یا پایه‌ی هرم نسبت به هرم جمعیت‌های جوان جمع تر شده ولیکن بر تعداد گروه سنی سالخوردگان چندان افزوده نشده است. چنین وضعیتی نشانگر اعمال سیاست‌های جمعیتی مبتنی بر کاهش موالید است، ولی چون افزایش طول عمر نتیجه‌ی فعالیت‌های مستمر در زمینه‌ی افزایش تأمین و رفاه اجتماعی است لذا تغییرات اندکی در تعداد گروه سنی بالای ۶۵ سال دیده می‌شود. چنین هرم‌هایی را هرم جمعیت‌های رو به نقصان نیز می‌گویند.
۳. هرم سنی جمعیت‌های سالخورده: با توجه به این که بخش اعظم جمعیت ساخت سنی سالخورده در حد فاصل سنین ۱۵ تا ۶۴ ساله متراکم شده‌اند و باروری آن‌ها نیز کاهش و تثبیت یافته است لذا این هرم‌ها بیشتر شکل استوانه‌ای به خود می‌گیرند. چنین هرم‌هایی را هرم جمعیت‌های ثابت نیز می‌نامند چرا که در این جمعیت‌ها معمولاً موالید و مرگ و میر به شدت کاهش پیدا می‌کند و افزایش سالانه‌ی آن حالات کم و بیش ثابتی دارد به گونه‌ای که در طول سالیان متمادی تغییر چندانی نمی‌کند. (تمنا، ۱۳۷۵: ۱۱۹ و ۱۲۰)

### شاخص‌های جوانی جمعیت

برای تشخیص جوانی جمعیت می‌توان از شاخص ورتهایم یا شاخص ۴۰ درصد و نیز شاخص ورنه استفاده کرد.

#### (۱) شاخص ورتهایم (Wertheim)

اگر در جمعیتی تعداد کل جمعیت صفر تا ۱۴ ساله‌ها بزرگتر یا مساوی ۴۰ درصد تعداد کل جمعیت صفر تا بالاترین گروه سنی (w) باشد، جمعیت آن کشور را جوان می‌گوئیم. نماد ریاضی آزمون ورتهایم به صورت زیر است:

$$\sum_0^{14} P > \%40 \sum_0^w P$$

#### (۲) شاخص ورنه (Vernet)

به نظر ورنه جمعیت شناس فرانسوی، جمعیت سرزمینی جوان است که مصادیق زیر در آن جاری است:

## Archive of SID

۱. افراد ۲۰ سال به پایین آن بیش از ۳۵ درصد کل جمعیت را تشکیل بدهد که اگر این نسبت تا ۳۳ درصد تقلیل یابد باز هم جمعیت جوان است و اگر به ۳۰ درصد تقلیل یابد پیری جمعیت را تهدید نمی کند ولی اگر به کمتر از ۳۰ درصد کاهش یابد جمعیت، جوانی خود را از دست داده و رو به پیری است.
۲. افراد ۴۰ ساله و کمتر حدود ۶۵ درصد کل جمعیت را تشکیل دهد و اگر این رقم به ۶۰ درصد تقلیل یابد هنوز خطر پیری برای جامعه وجود ندارد ولی اگر به پایین تر از ۶۰ درصد برسد خطر پیری جمعیت را تهدید می کند.
۳. نسبت افراد بیشتر از ۶۰ ساله به افراد کمتر از ۲۰ ساله باید کمتر از ۰/۴ باشد.
۴. نسبت درصد افراد ۶۰ ساله به بالا بر کل جمعیت نباید از ۱۲ درصد کل جمعیت تجاوز نماید. (جوان، ۱۳۶۷: ۹۴)

## محاسبه‌ی شاخص‌های جوانی جمعیت ایران

(۱) شاخص ورتهایم: محاسبه شاخص ورتهایم در سرشماری‌های ۳۵ تا ۸۵ و آمارگیری جاری جمعیت در سال ۱۳۷۰ در زیر به تفکیک محاسبه شده است.  
جمعیت ایران: ۱۳۳۵

$$\sum_0^{14} P_{35} \geq \%40 \sum_0^w P_{35}$$

$$7993156 \geq \%40(18954704)$$

$$7993156 > 581881.6$$

جمعیت ایران: ۱۳۴۵

$$\sum_0^{14} P_{45} \geq \%40 \sum_0^w P_{45}$$

$$11885420 \geq \%40(25785210)$$

$$11885420 > 10314084$$

جمعیت ایران: ۱۳۵۵

$$\sum_0^{14} P_{55} \geq \%40 \sum_0^w P_{55}$$

$$15009363 \geq \%40(33708744)$$

$$15009363 > 13483497.6$$

جمعیت ایران: ۱۳۶۵

$$\sum_0^{14} P_{65} \geq \%40 \sum_0^w P_{65}$$
$$22474017 \geq \%40(49445010)$$
$$22474017 > 19778004$$

جمعیت ایران: ۱۳۷۰

$$\sum_0^{14} P_{70} \geq \%40 \sum_0^w P_{70}$$
$$24723874 \geq \%40(55837163)$$
$$24723874 > 22334865.2$$

جمعیت ایران: ۱۳۷۵

$$\sum_0^{14} P_{75} \geq \%40 \sum_0^w P_{75}$$
$$23725545 \geq \%40(60055488)$$
$$23725545 < 24022195.2$$

جمعیت ایران: ۱۳۸۵

$$\sum_0^{14} P_{85} \geq \%40 \sum_0^w P_{85}$$
$$17681629 \geq \%40(70495782)$$
$$17681629 < 28198312.8$$

جدول زیر محاسبه‌ی شاخص ورتهایم در سرشماری‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ ایران را نشان می‌دهد.

محاسبه‌ی شاخص ورتهایم در سرشماری ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ ایران

جوانی جمعیت	$40\% \sum_0^w P$	$\sum_0^w P$	$\sum_0^{14} P$	سال سرشماری
+	۵۸۱۸۸۱/۶	۱۸۹۵۴۷۰۴	۷۹۹۳۱۵۶	۱۳۳۵
+	۱۰۳۱۴۰۸	۲۵۷۸۵۲۱۰	۱۱۸۸۵۴۲۰	۱۳۴۵
+	۱۳۴۸۳۴۹۷/۶	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۵۰۰۹۳۶۳	۱۳۵۵
+	۱۹۷۷۸۰۰۴	۴۹۴۴۵۰۱۰	۲۲۴۷۴۰۱۷	۱۳۶۵
+	۲۲۳۳۴۸۶۵/۲	۵۵۸۳۷۱۶۳	۲۴۷۲۳۸۷۴	۱۳۷۰
-	۲۴۰۲۲۱۹۵/۲	۶۰۰۵۵۴۸۸	۲۳۷۲۵۵۴۵	۱۳۷۵
-	۲۸۱۹۸۳۱۲/۸	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱۷۶۸۱۶۲۹	۱۳۸۵

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران از ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵  
 شاخص ورتهایم جوانی جمعیت را در سرشماری‌های ۳۵ و ۴۵ و ۵۵ و ۶۵ و آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰ نشان می‌دهد ولی در سرشماری‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ صدق نمی‌کند؛ لذا در تحلیل نهایی می‌توان افزود که روند جوانی جمعیت از سرشماری سال ۱۳۷۵ به بعد رو به نقصان است. شاخص ورتهایم ترکیب سنی سایر گروه‌های سنی را به تفکیک مورد مذاقه قرار نمی‌دهد لذا به شاخص دقیق تری نیاز است. بدین سان از شاخص ورنه برای تدقیق موضوع بهره جسته ایم.

(۲) شاخص ورنه

در جدول زیر اجزای چهارگانه‌ی شاخص ورنه برای سرشماری‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ محاسبه شده است.



محاسبه‌ی شاخص ورنه در سرشماری ۸۵-۱۳۳۵ ایران

سال	درصد افراد کمتر از ۲۰ سال	درصد افراد کمتر از ۴۰ سال	+۶۰ به کل جمعیت	+۶۰ -۲۰
۱۳۳۵	۴۹/۷	۷۸/۶	۶/۲	۰/۱۳
۱۳۴۵	۵۴/۵	۸۰/۱	۶/۵	۰/۱۱
۱۳۵۵	۵۵/۲	۷۹/۳	۵/۳	۰/۱
۱۳۶۵	۵۵/۹	۸۱/۱	۵/۴	۰/۰۹
۱۳۷۰	۵۴/۸	۸۲/۳	۵/۸	۰/۱۰
۱۳۷۵	۵۱/۳	۸۰/۴	۶/۶	۰/۱۲
۱۳۸۵	۳۷/۴۶	۷۵/۳۵	۷/۳	۰/۱۹

مأخذ: سرشماری‌های ۸۵-۱۳۳۵ و آمارگیری جاری جمعیت ۱۳۷۰- مرکز آمار ایران

جدول فوق توزیع درصد سنی جمعیت ایران نسبت به ضوابط جوانی جمعیت ورنه در سال‌های مختلف را نشان می‌دهد. با توجه به ارقام جدول فوق گرایش جمعیت ایران به طرف جوان شدن در دوره‌ی دهساله ۴۵-۱۳۳۵ کاملاً محسوس است به طوری که درصد افراد کمتر از ۲۰ سال که در سال ۱۳۳۵ معادل ۴۹/۷ درصد کل جمعیت را شامل می‌شد در سال ۱۳۴۵ به ۵۴/۵ درصد جمعیت افزایش یافته است. هم چنین درصد افراد ۴۰ ساله به پایین از ۷۸/۶ به ۸۰/۱ درصد جمعیت کل افزایش یافته است. نسبت افراد ۶۰ ساله به بالا به افراد کمتر از ۲۰ سال در سال ۱۳۴۵ نسبت به سال ۱۳۳۵ کمی کاهش یافته است و یا فزونی افراد ۲۰ ساله و کمتر به کل جمعیت ۶۰ ساله و بالاتر، که همگی دلیل بر جوان تر شدن جمعیت در سال ۴۵ نسبت به سال ۱۳۳۵ می‌باشد. این امر یعنی روند جوان تر شدن جمعیت ایران به دوره‌ی ۵۵-۱۳۴۵ نیز کشیده شده است. ولی شدت ده ساله‌ی دوم نسبت به ده ساله‌ی اول پایین بوده است. زیرا افزایش افراد کمتر از ۲۰ سال در دوره‌ی ۴۵-۱۳۳۵ معادل ۴/۸ درصد بوده است که این رقم در ده سال بعد به ۰/۷ درصد تنزل کرده است و درصد افراد کمتر از ۴۰ سال به کل جمعیت در دو دوره‌ی ۱۰ ساله تغییرات محسوسی نسبت به هم نداشته ولی کاهش نسبی آن در سال ۱۳۵۵ نسبت به ۱۳۴۵ نمایانگر افزایش طبقه دوم بزرگسالان یعنی ۴۰ تا ۶۰ ساله‌ها می‌باشد که این امر تا حدودی می‌تواند بار تکفل گروه فعالان را کم نماید. به موازات جوان تر شدن جمعیت، نسبت درصد افراد ۶۰ ساله به بالا به کل جمعیت در همین دوره‌ی زمانی (۴۵-۱۳۳۵) کمی افزایش یافته است که

این فزونی تاندازه‌های می‌تواند افزایش طول عمر و بالا رفتن امید به زندگی را در اثر کاهش مرگ و میر بهبود نسبی وضع و سالخوردگان در اثر بیمه‌های اجتماعی و تأمین خدمات درمانی توجیه نماید ولی کاهش مجدد آن را در سال ۱۳۵۵، با ملحوظ داشتن عوامل بالا شاید افزایش خطرات ناشی از کار و آلودگی‌های محیط شهری توجیه نماید زیرا کاهش بیشتر در گروه ۶۴-۶۰ ساله‌هایی در سال‌های آخر دوران فعالیت مشاهده می‌گردد. در نتیجه با توجه به ارقام بالا و همچنین تغییرات میانه‌ی سنی در سه مقطع زمانی یعنی ۳۵، ۴۵، ۵۵ (۲۰۰۲، ۱۶/۹، ۱۷/۴۰ سال) می‌توان جوانتر شدن جمعیت ایران را در طول زمان ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ با تأکید نسبی بر متعادل شدن ساختمان آن در سال‌های ۵۵-۱۳۴۵ یادآوری نمود.

جوان‌تر شدن جمعیت ایران در دهساله‌ی بعدی یعنی ۶۵-۱۳۵۵ ادامه می‌یابد و به اوج خود در تاریخ جمعیت ایران می‌رسد. و بالاخره پس از خاتمه‌ی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و شروع دور دوم کنترل جمعیت از سال ۱۳۶۷ روند جوان‌تر شدن جمعیت به تدریج کاهش می‌یابد و آثار آن در آمارگیری جاری جمعیت در سال ۱۳۷۰ ظاهر می‌گردد. فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ و تورم ساختاری در اقتصاد ایران از یک سو و فعال شدن مراکز کنترل جمعیت و تنظیم خانواده در وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی آثار مثبت خود را بر کاهش روند جوانی جمعیت باقی می‌گذارد و سرانجام در سرشماری سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۶۵ این کاهش روند بیشتر می‌شود.

با این همه با توجه به اجزای چهارگانه شاخص ورنه جوانی جمعیت در سال ۱۳۷۵ همچنان صادق بوده است. یعنی اولاً درصد افراد کمتر از ۲۰ سال (۵۱/۳) هنوز بیش از ۳۵٪ کل جمعیت است و ثانیاً درصد افراد کمتر از ۴۰ سال (۸۰/۴) بیش از ۶۵ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دهد. و ثالثاً نسبت درصد افراد ۶۰ ساله به بالا به افراد کمتر از ۲۰ ساله (۰/۱۲) کمتر از ۰/۴ است. و رابعاً نسبت درصد افراد ۶۰ ساله به بالا بر کل جمعیت (۶/۶) از ۱۲ درصد کل جمعیت تجاوز نمی‌کند.

اجزای چهارگانه‌ی شاخص ورنه جوانی جمعیت در سال ۱۳۸۵ را نیز تأیید می‌کند. بدین معنا که اولاً درصد افراد کمتر از ۲۰ سال (۳۷/۴۶) هنوز بیش از ۳۵٪ کل جمعیت است. ثانیاً درصد افراد کمتر از ۴۰ سال (۷۵/۳۵) بیش از ۶۵ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دهد ثالثاً نسبت درصد افراد ۶۰ ساله به بالا به افراد کمتر از ۲۰ ساله (۰/۱۹) کمتر از

۰/۴ است. رابعاً نسبت درصد افراد ۶۰ ساله به بالا بر کل جمعیت (۷/۳) از ۱۲ درصد کل جمعیت تجاوز نمی‌کند.

در سرشماری سال ۱۳۸۵ ما با کاهش شدیدتر روند جوانی جمعیت روبرو بوده ایم. البته ناگفته نماند که در سال ۱۳۸۱ امید به زندگی یا متوسط طول عمر کشور نیز حدود ۱۰ سال افزایش یافته است و این نیز باعث افزایش جمعیت ۶۰ ساله به بالا می‌شود. نگاهی به افزایش میانه‌ی سنی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ مؤید نظرات بالاست. میانه سنی جمعیت در سال ۲۰/۲، ۳۵، در سال ۱۶/۹، ۴۵، و در سال ۱۷/۴، ۵۵، و بالاخره در سرشماری ۶۵، ۱۷/۰ و در آمارگیری جاری جمعیت سال ۷۰، ۱۷/۶ و در سرشماری سال ۷۵، ۱۹/۴۲ و در سرشماری ۱۳۸۵، ۲۳/۸۹ می‌باشد. در جدول زیر میانگین سنی و میانه سنی جمعیت ایران در فاصله سرشماری‌های ۸۵-۱۳۳۵ آمده است.

محاسبه‌ی میانگین و میانه‌ی سنی در سرشماری‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ ایران

سال سرشماری	میانگین سنی	میانه سنی
۱۳۳۵	۲۰/۲۰	۲۰/۲
۱۳۴۵	۱۶/۶۰	۱۶/۶
۱۳۵۵	۱۷/۴۰	۱۷/۴
۱۳۶۵	۱۷/۰۱	۱۷/۰۱
۱۳۷۰	۲۴/۰۳	۱۷/۶
۱۳۷۵	۲۴/۰۳	۱۹/۴۲
۱۳۸۵	۲۷/۹۷	۲۳/۸۹

مأخذ: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ایران از ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵

### پیامدهای جوانی جمعیت

اصولاً جوانی یا سالخوردگی جمعیت پرسمان‌ها و مشکلات مختلفی را از نقطه نظر برنامه ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی و بویژه سرمایه گذاری‌های مملکتی به وجود می‌آورد و با در نظر گرفتن این که گروه سنی (۶۴-۱۵) ساله هر کشوری جمعیت فعال آن را که در تولید ملی شرکت می‌کنند تشکیل می‌دهد و گروه‌های سنی دیگری زیر ۱۵ سال و ۶۵ ساله به بالا معمولاً جز نقش مصرف کننده نقش دیگری ندارند، بنابراین دولت از دسترنج و تولید و ثمره‌ی کار گروه (۶۴-۱۵) ساله، وسایل آموزشی، بهداشتی، ایجاد کار برای گروه جوانان و خدمات اجتماعی برای گروه ۶۵ ساله به بالا را تأمین می‌کند. (جوان، ۱۳۶۷: ۹۷)

هر قدر جمعیت کشوری جوان و گروه جوانان و سالخوردگان زیاد باشد گروه سنی میانه (۶۴-۱۵) ساله مسئولیت سنگینی را بر عهده خواهند داشت. بنابراین در کشورهای کم رشد که طبقه‌ی جوان یعنی افراد زیر ۲۰ سال حدود نصف جمعیت آنان را تشکیل می‌دهد بخش بزرگی از نیروی کار خلاق جمعیت فعال به مصرف تأمین معیشت نوسیدگان که تعدادشان فراوان است می‌رسد و مسلماً کوشش افراد در این گونه کشورها بیشتر متوجه امرار معاش خواهد بود تا بالاترین سطح زندگی، و ایران نیز با این پرسمان کم و بیش آشناست.

نباید چنین تصور شود که پیری جمعیت با فشرده شدن پایه‌ی هرم سنی در نتیجه کمی موالید مطابقت خواهد داشت که خود باعث کاهش هزینه‌های اجتماعی نظیر سرمایه گذاری‌های آموزشی و نظایر آن خواهد بود. در حالی که درست عکس قضیه صادق است یعنی وقتی درصد پیران در جمعیت بالا رود باید نوعی سرمایه گذاری بدون بازده برای تأمین آسایش و رفاه جامعه صورت گیرد در صورتی که سرمایه گذاری‌ها روی افراد کم سال و گروه جوانان ولو به مدت طولانی بازده قابل توجهی را در آینده در بر خواهد داشت. (جوان، ۱۳۶۷: ۹۷)

در بررسی و تحلیل نهایی پیامدهای جوانی جمعیت می‌توان افزود که در جمعیت‌های جوان حدود ۵۰ درصد جمعیت نقشی در تولید و افزایش آن ندارند و صرفاً مصرف کننده هستند، حال آن که در جمعیت‌های سالخورده این نسبت به حدود ۳۰ الی ۳۵ درصد می‌رسد.

در جمعیت‌های جوان مرگ و میر کودکان بسیار بالا و امید زندگی در آنها به شدت پایین است اما در جمعیت‌های سالخورده وضع درست برعکس است.

ساخت سنی جوان مرتباً سرمایه گذاری‌های عظیمی در جهت ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی، رفاهی و مسکن برای جمعیت ۱۴-۰ ساله که به سرعت به سن بزرگسالی خواهند رسید می‌طلبد. اما در جمعیت‌های سالخورده مشکلات عمده‌ای نظیر هزینه‌های بالای بهداشتی و درمانی، کاهش جمعیت فعال و در آینده کمبود نیروی انسانی مطرح می‌شود. (تمنا، ۱۳۷۵: ۱۱۰ و ۱۱۱)

علت اصلی سالخوردگی جمعیت کاهش مداوم باروری است و بنابراین ایران در آینده نزدیک با سالخوردگی جمعیت روبرو نخواهد بود بلکه جمعیت آن در آینده نیز جوانتر خواهد شد ولی شدت آن نسبت به گذشته کاهش خواهد یافت.

در حالت کلی هنگامی که سن نسبی جمعیتی افزایش می‌یابد بسیاری از اقدامات ضروری دیگر نیز پیش می‌آید از جمله: تأمین رفاه سالخوردگان، تهیه مسکن برای آن‌ها، ساختن آسایشگاه‌ها برای سالمندان و باشگاه‌های سالمندان را می‌توان نام برد. زیرا در جوامع جدید، برخلاف اجتماعات کشاورزی که پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها هسته و مرکز تشکیلات فAMILI محسوب می‌شدند، توجه زیادی به استقلال و آزادی فردی می‌شود که در نتیجه ارتباطات انسانی ما بین خانواده‌ها تغییر یافته و شخص سالمند از مرکز زندگی خارج شده، ناامید و افسرده و بی‌حوصله و تنها می‌گردد.

جامعه‌ی ایران در حال تحوّل بوده و به تدریج شهری و صنعتی می‌گردد و ویژگی‌های اجتماعی اخیر نیز در آن تکوین یافته و به زودی وضع سالخوردگان پرسمانی را برای کشور ما به وجود خواهد آورد. شایسته است در طرح برنامه ریزی‌های رفاهی برای سالمندان تمام جوانب امر از جمله عادات و رسوم و سنن جامعه‌ی ایرانی مورد توجه قرار گرفته و زندگی مرفه و آرام و بی‌آلایش را برای سالمندان تأمین نماید. (جوان، ۱۳۶۷: ۹۹)

### جمع بندی و یافته‌ها

جمعیت ایران بصورت نا هماهنگ از نظر رشد جمعیتی در طول زمان، ناموزون از نظر ترکیب و تحولات درونی جمعیت، با رشدی شتابان و فزاینده در جهتی رو به شهرنشینی بیشتر خود جوش نه برنامه ریزی شده، در بستر ناهمگن جغرافیایی تحوّل می‌یابد. وجود اختلافات بالقوه طبیعی در نواحی مختلف ایران بویژه خشونت‌های اقلیمی و شرایط نامساعد فیزیوگرافی از یک طرف، و نارسایی برنامه ریزی‌های سنجیده و منطقی در راستای اعمال سیاست متمرکز از سوی دیگر، منتهی به تشدید اختلافات ناحیه‌ای در طول زمان گردیده و باعث از بین رفتن نظم و انسجام منطقی بین عوامل انسانی و عوامل طبیعی شده است که بهره‌وری پول و سرمایه گذاری در بخش‌های مختلف را دستخوش تغییر و تحوّل ساخته است که به دنبال خود پی آمدهایی از قبیل عدم بهره‌برداری‌های معقول از منابع طبیعی، توزیع نابرابر نیروی انسانی ماهر و متخصصین کار اداری و مدیریت محلی، توزیع نابرابر امکانات و تجهیزات آموزشی و فرهنگی، بهداشتی و خدماتی را در نواحی مختلف به دنبال داشته است و بدون شک مناطق و نواحی مساعد طبیعی و مورد توجه و علاوه بر آن بخش‌های صنعت و خدمات توانسته‌اند از امکانات مطلوبی بخوبی استفاده کنند که این امر به ضرر بخش کشاورزی سنتی و خرده پا و نواحی نسبتاً نامساعد از نظر طبیعی و شاید از

نظر دارا بودن ابعاد سیاسی انجامیده است که نمود عینی آن تثبیت ناخواسته‌ی جمعیت از طریق مهاجرت‌های روستائیان به شهرها، تخلیه جمعیت شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ گردیده است. (جوان، ۱۳۶۷: ۳۱۱)

اثرات این عوامل کاملاً روی تراکم و توزیع جمعیت با اشکال استقرار انسانی، مشکل و نحوه‌ی بهره برداری از زمین، استقرار کارخانجات و صنایع، پا گرفتن مراکز آموزشی، تمرکز خدمات در نواحی ویژه، ... مشهود و منطبق بر این عوامل تحولات درونی جمعیت تحت تأثیر عدم وجود تداوم در سیاست‌های جمعیتی، مشخصات ویژه جمعیتی را باعث گردیده است که می‌توان به شرح زیر بر شمرد:

۱. رشد فزاینده و شتاب آلود جمعیت بویژه در بعد از سال ۱۳۵۵.
۲. جوانی جمعیت که نامتناسب تر شدن بافت سنی و ترکیب جمعیت را به دنبال داشته است.
۳. روند شتاب آمیز شهرنشینی و شهرگرایی و در نتیجه بالا بودن نسبت شهرنشینی.
۴. سرعت و حجم فزاینده‌ی تحرک جمعیت (مهاجرت).
۵. اثر عوامل اقلیمی و اقتصادی بر توزیع جمعیت.
۶. بالا بودن نسبت بیکاری.
۷. پایین بودن ضریب شاغل نسبت به خانوار.

جوان تر شدن جمعیت بویژه در بعد از سال ۱۳۵۵، مشکلات ناشی از رشد فزاینده‌ی جمعیت را تشدید کرده است. با توجه به آمار و ارقام حاصله از سرشماری‌های مختلف، مشخص می‌گردد که جمعیت ایران از یک ساخت سنی جمعیت جوان برخوردار بوده است که این ساخت سنی تا سال ۱۳۴۵ به مرور نامناسب تر می‌گردید یعنی درصد افراد فعال جامعه (۶۴-۱۵ ساله) از ۵۳/۸ درصد کل جمعیت به ۵۰ درصد در سال ۱۳۴۵ تقلیل می‌یابد که افزایش میزان بار تکفل و حجم سرمایه گذاری‌های بیشتری را در زمینه‌های مختلف برای جوانان به دنبال داشته است ولی اعمال سیاست‌های مشخص جمعیتی در بعد از سال ۱۳۴۵ که بیشتر جنبه‌ی تشویقی داشته است (دور اول برنامه کنترل جمعیت در سال ۱۳۴۶) توانست میزان باوری را به مقدار نسبتاً قابل ملاحظه‌ای تقلیل دهد به طوری که درصد رشد سالیانه‌ی جمعیت از ۳/۱ درصد در دوره‌ی ۴۵-۱۳۳۵ به ۲/۷ درصد در دوره‌ی ۵۵-۱۳۴۵ کاهش یافت و به موازات آن درصد گروه فعالان از ۵۰ درصد به ۵۲ درصد جمعیت کل کشور در همان دوره‌ی زمانی افزایش یافت که این امر نه تنها متناسب تر شدن

ساخت جمعیت را نشان می‌دهد بلکه کاهش موالید و جمع شدن پایه‌های هرم سنی را نیز بیان می‌دارد. ولی از سال ۱۳۵۵ به بعد روند افزایش جمعیت آهنگ سریعتری بخود گرفته بود و از تبعات آن مسلماً افزایش درجه‌ی جوانی و فشرده شدن گروه فعالان بوده است. پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ این روند افزایش با شدت بیشتری ادامه‌یافت تا به سال ۱۳۶۷ خاتمه جنگ و شروع دور دوم برنامه کنترل جمعیت رسیدیم. از سال ۱۳۶۷ به بعد روند رشد جمعیت به تدریج رو به کاهش نهاد. با این همه هنوز جمعیت ایران همچنان جوان است و پیامدهای خاص خود را دارد.

## منابع

## الف - فارسی

۱. بهنام، جمشید (۱۳۵۵): جمعیت شناسی عمومی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. تمنا، سعید (۱۳۷۵): مبانی جمعیت شناسی، تهران، دانشگاه پیام نور.
۳. جوان، جعفر (۱۳۶۷): جمعیت ایران و بستر جغرافیایی آن، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۴. زنجانی، حبیب الله (۱۳۷۰): مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی: ۱- جمعیت، چاپ ۲، تهران مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، وزارت مسکن و شهرسازی.
۵. زنجانی، حبیب الله (۱۳۷۱): جمعیت و توسعه، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، وزارت مسکن و شهرسازی.
۶. ساعی ارسبی، ایرج (۱۳۸۵): جمعیت و تنظیم خانواده، چاپ ۲، ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.
۷. شیخی، محمد تقی (۱۳۶۸): در زمینه‌ی جامعه شناسی جمعیت، تهران، نشر آرام.
۸. شیخی، محمد تقی (۱۳۷۵): جمعیت شناسی اقتصادی و اجتماعی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۹. علیزاده، محمد (۱۳۶۰): ویژگی‌های جمعیتی ایران و آینده نگری بیست ساله‌ی جمعیت کشور، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
۱۰. علیزاده، محمد (۱۳۶۴): جمعیت، منابع و توسعه در ایران، تهران، دفتر جمعیت و نیروی انسانی، معاونت امور اقتصادی، سازمان برنامه و بودجه.
۱۱. مرکز آمار ایران: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۳۵.
۱۲. مرکز آمار ایران: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۴۵.
۱۳. مرکز آمار ایران: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۵۵.
۱۴. مرکز آمار ایران: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۶۵.
۱۵. مرکز آمار ایران: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۷۵.
۱۶. مرکز آمار ایران: آمارگیری جاری جمعیت، مهر ۱۳۷۰.
۱۷. مرکز آمار ایران: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵.

## ب - انگلیسی

1. Baldwin, G. B (1967): Planning and Development in IRAN, Baltimore, The John Hopkins press.
2. Bogule, Donald J,(1969): Principles of Demography, U.S.A. John Wiley & Sons, Inc.
3. Peterson, William, (1969): Population, New York, U.S.A. Macmillam publishing co, Inc.
4. Stamper, Maxwell B, (1977): Population and planning in developing Nations. the population Council.
5. United Nation, (1984): Population, Resources, Environment and Development, New York, U.S.A.